

گپ و گفت با مهدی باقریگی، بازیگر سریال خاطره انگیز قصه های مجید!

# همه من را با مجید می شناسند!



یادش بخیر! البته این کلمه برای من دهه هشتادی در مقابل این مجموعه تلویزیونی تقریباً اغراق آمیز است، چرا که دقیقاً این مجموعه جذاب تلویزیونی درست سال ۱۳۷۱ از رسانه ملی پخش شد تا یکی از مهم ترین آثار تولیدی غیر تهرانی رقم بخورد. مجموعه قصه های مجید یکی از آثاری است که کمتر کسی آن را ندیده و شاید می توان گفت دهه هشتادی ها نیز با آن خاطرات مشترکی دارند.

حیف است از قصه های مجید چیزی بگوئیم و یادی نکنیم از کیومرث پوراحمد عزیز و بازیگر نقش بی بی، خانوم پروین دخت یزدانیان. به بهانه موضوع این شماره از نوجوانه سراغ مجید قصه ها یعنی مهدی باقریگی رفته ایم تا از خود مجید بیرسیم شرح حال آن روزها را.

امیرحسین علی نیافر

نوجوانه



دلناتن برای مجید و بی بی و قدیم تنگ نشده؟

چرا که نه! قطعاً در آن زمان یک روزگار خوبی در جریان بود و به گمانم هر شخصی این عقیده را دارد که در زمان قدیم همه چیز خیلی بهتر بود و بین خانواده ها صفا و صمیمیت بیشتری وجود داشت. همچنین این را باید بگویم قدیم تر ها تقریباً همه یکرنگ بودیم و اختلاف زیادی بین ما و خانواده ها در جریان نبود. حالا بعد از گذشت مدت ها مشغله و کارهای زیادی برای هر کدام از ما ایجاد شده که بعد از هر بار مرور خاطرات، با خودمان می گوئیم یادش بخیر!

تقریباً می توانم اعتراف کنم که نوجوانی من شباهت های زیادی با دنیای مجید داخل سریال داشت ولی فقط با این تغییر که نوجوانی من تبدیل به یک روایت یا مجموعه نشد. تقریباً دوازده یا سیزده ساله و درست در شروع دوران نوجوانی بودم که آن اتفاق برای من رقم خورد و من از بین بچه های مدرسه برای مجموعه قصه های مجید انتخاب شدم. بعد از دیده شدن این مجموعه و لطف مردم دیگر باید سعی می کردم بزرگتر از سن خود رفتار و با مردم و اهالی محل بیشتر معاشرت کنم. در کل می توانم بگویم که بعد از اتفاقی که برای من رخ داد، چالش های بزرگی سر راهم گذاشته شد و شاید در کنار آن خوبی های معروف شدن، بعضی معایب نیز وجود داشت. در کل می توانم اعلام کنم که با وجود زود بزرگ شدنم در دوران نوجوانی، آن اتفاق را دوست داشتم و بسیار از آن موقعیت در کنار مردم لذت می بردم

واکنش خانواده در مقابل شروع کار بازیگری شما چی بود؟

از زمانی که کار تئاتر و علاقه ام را نسبت به این رشته و هنر نشان دادم، خانواده دچار نگرانی هایی درباره درس و نحوه ادامه تحصیل من شدند و شاید بتوانم این را بگویم که در ابتدای راه مخالف این حرفه بودند اما با حرف زدن و متقاعد کردن آنها توانستم به این کار ادامه بدهم. به یاد دارم در آن زمان به آنها قول دادم که سر وقت به درس و امتحان هایم می رسم و بعد از این صحبت ها دیگر مخالفتی با من نداشتند.

شاید کمتر کسی از این موضوع اطلاع داشته باشد اما باید بگویم در زمانی که مجموعه قصه های مجید را شروع کردم، از صبح تا نزدیک بعد از ظهر برای ضبط سکانس ها مشغول بودم و بعد از آن درست نزدیک غروب، معلم من به خانه مان می آمد و درس همان روز را به من توضیح می داد

و من مجبور می شدم که تا زمان خواب، درس های آن روز را مرور کنم و بعد به استقبال خواب بروم. من تقریباً به مدت شش ماه با همین وضعیت سر کردم و ضبط و تولید آن مجموعه فکر می کنم نهایت یک سال طول کشید.

تصور شما از بازیگری در شروع کار چی بود؟ دوست داشتن معروف بشین؟

اگر بخواهم حقیقت را بگویم در آن سن و زمان احساس خاصی نداشتم و بیشتر از اینکه بخواهم به فکر معروف شدن شوم؛ دلم می خواست از این چالشی که در آن قرار گرفته ام به سادگی عبور کنم و کار خودم را به خوبی هر چه بهتر انجام بدهم. در آن زمان عقیده داشتم هر کار سختی را که بر عهده میگیرم، باید از پس آن وظیفه به خوبی بر بیایم.

از شخصیت مجید در شما چه چیزی باقی مانده؟

فکری می کنم کاراکتر و شخصیت مجید به این دلیل بیشتر برای همه مردم جالب و جذاب بود که تقریباً تمامی مردم خاطرات و تصاویر مشترکی با آن داشتند. به یاد دارم بعد از پخش سریال بعضی ها به من می گفتند درست همان کاری که مجید در مدرسه انجام می داد را تجربه کرده ایم. اگر الان به شما بگویم که این نقش هیچ تاثیری روی من نداشته اشتباه است؛ چرا که از زمان پخش این مجموعه تا کنون سی و چند سالی می گذرد و همواره آثاری از شخصیت و رفتار مجید نیز با من همراه بوده.

شخصیت و نقش مجید آن قدر برای من و دیگران جذاب بود که تا کنون با اینکه نقش های متنوعی در سریال و مجموعه های دیگر بازی کرده ام، اما هنوز من را با عنوان مجید می شناسند.

ترجیح می دهید که بین مردم با کاراکتر مجید محبوب یا با کاراکترهای مختلف معروف باشید؟

حقیقتش را بخواهید محبوب بودن با نام مجید را ترجیح می دهم به معروف بودن با نقش های متنوع. امروزه در فضایی زندگی می کنیم که به وسیله تکنولوژی همه افراد دسترسی به فضای مجازی دارند و آدم های معروف روز به روز با عکس و فیلم های مختلف از چشم مخاطبان به دلیل کارهای ناپسندشان سقوط می کنند و باید این را بگویم که محبوب شدن و محبوب ماندن در این روزها و این زمانه بسیار سخت و دشوار است. در نهایت همان ترجیح می دهم من را با مجید و سی و خرده ای سال گذشته بشناسند تا چیزهای دیگر.

هنوز میشه وجه اشتراکی بین نوجوان های دهه ۶۰ با نوجوان های دهه ۸۰ یا ۹۰ پیدا کرد؟

رابطه شما با نوجوان های امروزی چطور است؟

من عقیده دارم که باید با هر سن و روزگاری مثل همان شخص رفتار کرد و اکنون ارتباط خوبی با دهه هشتادی ها به خصوص نوجوان ها دارم و سعی می کنم آن ها را درک کنم و به نظرات شان احترام بگذارم. پسر من در حال حاضر درست در همان سنی است که من وارد دنیای تلویزیون شدم و باید بگویم که با پسر من رابطه بسیار خوبی دارم و با او دوست هستم. در نهایت شاید کمی با او در لحظاتی چالش هایی را داشته باشم اما سعی می کنم او و شرایط و حال و روز الان خودش را درک کنم. یکی از مشکلاتی که فکر می کنم قدیم تر ها خیلی وجود داشت، عدم درک ما توسط پدران مادرهای مان بود که زیاد درک مان نمی کردند و حالا می بینم با درک کردن و دوستی می توان ارتباط خیلی بهتری با بچه ها و دیگران برقرار کرد.

جز شما که فعال هستید، بازیگرهای زیادی در تاریخ سینمای ما هستند که در نوجوانی فیلم های بی نظیری بازی کردند و بعد به فراموشی سپرده شدن؛ به نظر شما این چه دلیلی می تونه داشته باشه؟

من فکر می کنم کمی این مورد ربط به بند پ یا همان پارتی دارد و باید ببینیم آیا آن نوجوان ها آشنایی در دنیای هنر و تلویزیون داشته اند یا نه. به عقیده من اکثر کسانی که در همان سن با یک فیلم و بازی خوب کار خود را شروع کردند، به دلیل سکونت آن ها در جایی غیر از تهران بعد از آن کار از دنیای هنر محو شدند و متأسفانه کمی باید گلايه کنم از تیم های فیلم سازی و هنری که تمام ظرفیت های موجود را به دلیل داشتن امکانات بیشتر و حاضر و آماده، در تهران و پایتخت کشور می دانند و به همین دلیل اهمیت زیادی به بچه های دیگر استان ها به خصوص اصفهان نمی دهند.

بازیگران نوجوان این روزهای سینما و تلویزیون را چطور می بینید؟

من به نوجوان هایی که در حال حاضر

در حال ایفای نقش هستند بسیار ایمان دارم و امیدوارم تمام آنها در ادامه زندگی و کار خود موفق باشند و باید اعتراف کنم به این مساله که واقعا از تماشا کردن استعداد نوجوانان کشورم به خصوص در حوزه بازیگری بسیار لذت می برم. به نظر من هر نوجوانی دارای یک استعداد ذاتی است و اگر بتواند در همان سن از آن استعداد خود به خوبی استفاده کند، باید بگویم که می تواند در ادامه راه زندگی خود موفق باشد.

جشنواره امسال کودک و نوجوان از نظر شما چطور برگزار شد و آیا فیلم خوب باید بدهی هم بین آنها مشاهده کردید؟

متأسفانه باید بگویم دیگر خبری از آن کیفیت همیشگی جشنواره در سالهای دور گذشته نیست و مسئولان فرهنگی باید فکر جدی و تازه ای نسبت به برگزاری هر چه بهتر جشنواره فیلم کودک و نوجوان باید داشته باشند. در زمان های اوج این جشنواره به یاد دارم آنقدر همه چیز پررنگ برگزار می شد که سراسر شهر اصفهان همزمان با برگزاری این جشنواره، وارد یک جو و فضای خاصی می شد. متأسفانه باید این را هم بگویم که کیفیت پخش فیلم ها روی پرده های سینمایی و سانس ها زیاد خوب نبود و اگر یک فیلم خوب با تصویربرداری خوبی انجام می شد، به لطف آن کیفیت نه چندان مناسب پرده سینمایی کاملاً فیلم بهره وری خود را از دست می داد. در نهایت اما نباید از این موضوع غافل شویم که برگزار شدنش بهتر از برگزار نشدنش است.

دوست دارین بعد از ۱۲۰ سال شما را با چه عنوانی یاد کنند؟

من دوست دارم در نهایت یک اسم نیکی از من در ذهن و خاطره ها باقی بماند و معمولاً بعد از رفتن یک نفر، آدم های زیادی درباره آن فرد از دست رفته اظهار نظر می کنند و من دلم می خواهد پشت سر من بگویند آدم خوبی بود.

من آرزو می کنم آنهایی که پشت سر من از خوبی هایم می گویند، بیشتر از کسانی باشند که از من بد می گویند.